

(11)

(لوح هفت پرش)

(الاسئلة السبعة)

بنام گوینده دانا

ستایش پاک یزدان را سزاوار که از روشنی آفتاب بخشش جهان را روشن نمود از " با " بحر اعظم هویدا و از " ها " هویه بخته اوست توانائی که توانائی مردم روزگار او را از خواست خود باز ندارد و لشکرهای پادشاهان از گفتارش منع ننماید نامه ات رسید دیدیم و ندایت را شنیدیم در نامه لالی محبت مکنون و اسرار مودت مخزون از داور بی همال میطلبیم ترا تأیید فرماید بر نصرت امرش و توفیق بخشد تا تشنگان دشت نادانی را بآب زندگانی برسانی اوست بر هر امری قادر و توانا آنچه از دریای دانائی و خورشید بینائی سؤال نمودی باجابت مقرون

پرش نخستین : نخست پرستش یکتا یزدان را بچه زبان و رو بکدام سو بنمائیم شایسته است ؟

آغاز گفتار پرستش پروردگار است و این پس از شناسائی است چشم پاک باید تا بشناسد و زبان پاک باید تا بستاید امروز روهای اهل دانش و بینش سوی اوست بلکه سویها را جمله رو بر سوی او

شیر مرد از خداوند میخواهم مرد میدان باشی و به توانائی یزدان برخیزی و بگوئی : ای دستوران گوش از برای شنیدن راز بی نیاز آمده و چشم از برای دیدار چرا گریزانید ؟ دوست یکتا پدیدار میگوید آنچه را که رستگاری در آنست ای دستوران اگر بوی گلزار دانائی را بیابید جز او نخواهید و دانای یکتا را در جامه تازه بشناسید و از گیتی و گیتی خواهان چشم بردارید و بیاری برخیزید

پرش دوم در کیش و آیین بوده امروز کیش یزدان پدیدار جهاندار آمد و راه نمود کیشش نیکوکاری و آیینش بردباری این کیش زندگی پاینده بخشد و این آیین مردمان را بجهان بی نیازی رساند این کیش و آیین دارای کیشها و آیینهاست بگیری و بدارید

پرسش سوم : با مردم روزگار که جدا جدا کیشی گرفته اند و هر یک کیش و آیین خویش را بیشتر و بهتر از دیگری دانند چگونه رفتار نمایم که از دست و زبان ایشان در رنج و آزار نباشیم ؟

ای شیر مردمان رنج را در راه حضرت یزدان راحت دان هر دردی در راه او درمانیست بزرگ و هر تلخی شیرین و هر پستی بلند اگر مردمان بیابند و بدانند جان رایگان در راه این رنج دهند این رنج مفتاح گنج است اگر در ظاهر منکر است در باطن پسندیده بوده و هست گفتار ترا پذیرفتیم و تصدیق نمودیم چه که مردمان روزگار از روشنائی آفتاب داد محرومند داد را دشمن میدارند اگر بی رنجی طلبی این بیان که از قلم رحمن جاری شده قرائت نما :

"إلهی إلهی أشهد بفردانیتک و وحدانیتک أسئلک یا مالک الأسماء و فاطر السماء بنفوذ کلمتک العلیا و اقتدار قلمک الأعلی أن تنصرنی برایات قدرتک و قوتک و تحفظنی من شر أعدائک الذین نقضوا عهدک و میثاقک إنک أنت المقدر القدير "

این ذکر حصنی است متین و لشکریست مبین حفظ نماید و نجات بخشد

پرسش چهارم : در نامه های ما مژده داده اند شاه بهرام با نشانهای زیاد از برای رهنمائی مردمان می آید الی آخر بیانه

ای دوست آنچه در نامه ها مژده داده اند ظاهر و هویدا گشت نشانها از هر شطری نمودار امروز یزدان ندا مینماید و کل را بمینوی اعظم بشارت میدهد گیتی بانوار ظهورش منور و لکن چشم کمیاب از یکتا خداوند بی مانند بخواه بندگان خود را بینائی بخشد بینائی سبب دانائی و علت نجات بوده و هست دانائی خرد از بینائی بصر است اگر مردمان بچشم خود بنگرند امروز جهان را بروشنائی تازه روشن بینند بگو خورشید دانائی هویدا و آفتاب دانش پدیدار بختیار آنکه رسید و دید و شناخت

پرسش پنجم از پل صراط و بهشت و دوزخ بوده

پیمبران برآستی آمده اند و راست گفته اند آنچه را پیک یزدان خبر داده پدیدار شده و میشود عالم بمجازات و مکافات برپا بهشت و دوزخ را خرد و دانائی تصدیق نموده و مینماید چه که وجود این دو از برای آن دو لازم در مقام اول و رتبه اولی بهشت رضای حق است هر نفسی

برضای او فائز شد او از اهل جنت علیا مذکور و محسوب و بعد از عروج روح فائز میشود بآنچه که آمه و خامه از ذکرش عاجز است صراط و میزان و همچنین جنت و نار و آنچه در کتب الهی مذکور و مسطور است نزد اصحاب بصر و مردمان منظر اکبر معلوم و مشهود است حین ظهور و بروز انوار خورشید معانی کل در یک مقام واقف و حق نطق میفرماید بآنچه اراده میفرماید هر یک از مردمان که بشنیدن آن فائز شد و قبول نمود او از اهل جنت مذکور و همچنین از صراط و میزان و آنچه در روز رستخیز ذکر نموده اند گذشته و رسیده و یوم ظهور یوم رستخیز اکبر است امید هست که آن جناب از رحیق وحی الهی و سلسبیل عنایت ربانی بمقام مکاشفه و شهود فائز شوند و آنچه ذکر نموده اند ظاهرا و باطنا مشاهده نمایند

پرشش ششم : پس از هشتن تن که روان از تن جدا شده بآن سرا شتابد الی آخر

در این مقام چندی قبل از خامه دانش ظاهر شد آنچه که بینایان را کفایت نماید و اهل دانش را فرح اکبر بخشد برآستی میگوئیم روان از کردار پسندیده خشنود میشود و داد و دهش در راه خدا باو میرسد

پرشش هفتم : از نام و نژاد و نیاکان پاک نهاد بوده

ابوالفضل گلپایگانی علیه بهائی در این باب از نامه های آسمانی نوشته آنچه که آگاهی بخشد و بر بینائی بیفزاید آیین یزدان با قوت و نیرو بوده و هست زود است آنچه از زبان گفته شد در ظاهر دیده شود از خداوند میخواهیم ترا بر یاری نیرو بخشد اوست دانا و توانا اگر آن جناب سوره رئیس و سور ملوک را بیابد و بخواند از آنچه سؤال نموده بی نیاز گردد و بخدمت امر الهی قیام نماید قیامیکه ظلم عالم و قوت امم او را از نصرت مالک قدم منع نکند از حق میطلبیم شما را تأیید فرماید بر آنچه سبب بلندی و بقای نام است جهد نمائید شاید بسور مذکوره هم برسید و از لالی حکمت و بیان که از خزینه قلم رحمن ظاهر شده قسمت برید و نصیب بردارید البهاء علیک و علی کل ثابت مستقیم و راسخ امین